

متن کامل نامه‌ی فرماندهان سپاه به خاتمی

ریاست محترم جمهوری حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی

با عرض سلام و خسته نباشید به استحضار می‌رساند:

به‌دنبال حوادث اخیر به عنوان مجموعه‌ای از خدمتگزاران دوران دفاع مقدس ملت شریف ایران، وظیفه‌ی خود دانستیم مطالبی را خدمت حضرت عالی دانشمند ارزشمند عرضه بداریم. امیدواریم با سعه‌ی صدر و شعار ارزشمند توأم با سیره‌ای که تبلیغ می‌فرمایید (شنیدن هر سخن و ایده ولو مخالف) به این موضوع که شاید درد هزاران زجرکشیده‌ی انقلاب باشد که امروزه به‌دور از هرگونه خط و خطوط با چشمی نگران، مسائل و حوادث انقلاب را می‌نگرند و سکوت، مسامحه و ساده‌انگاری مسئولین که از برکت خون هزاران شهید بر مسند نشسته‌اند، متحیر و متعجب‌اند.

جناب آقای خاتمی، قطعاً همه‌ی ما حضرت عالی را انسانی وارسته، انقلابی، متدین و دارای ریشه‌ی عمیق دینی در حوزه و دلسوز به انقلاب دانسته و می‌دانیم، اما نحوه‌ی برخورد با حوادثی که همه‌ی ما شاهد شادی و رقص دشمنان پیرامون آن هستیم و در اولویت قرار دادن پیگیری برخی اشتباهات و تخلفات و بزرگ کردن آنها در مقابل عدم توجه و یا کوچک جلوه دادن برخی دیگر از همین نمونه قانون‌شکنی و هتک حرمت و فشار، باعث شده است جریان‌های معاند با انقلاب گستاختر و در مقابل آن، مدافعان انقلاب محافظه‌کارانه و با دلزدگی توأم با ناامیدی، هر روز تحقیر شده و به ثمره‌ی این همه خون نگریسته و انگشت خود را با تاسف و تأثر می‌گزینند.

جناب آقای رئیس‌جمهور، حمله به کوی دانشگاه همان‌طوری که رهبر بزرگوار و مظلوم این انقلاب فرمودند امری ناپسند، زشت و بد بود و علی‌رغم این‌که سخت‌ترین و تندترین برخوردها با آن انجام پذیرفت اما همه‌ی مردم به دلیل ناپسندی عمل انجام شده این برخوردها را پذیرفته و بر آن صحنه گذاردند، اما سؤال مهم و پرابهام این است که آیا فاجعه فقط همین بود؟

صرفاً همین موضوع قابل پیگیری و توجه و اعتراض و تحسن است که چند وزیر به خاطر آن استعفا دهند، شورای امنیت تشکیل جلسه بدهد و گروه تحقیق تشکیل گردد، اما آیا حرمت‌شکنی و توهین به مبانی این نظام، تاسف و پیگیری ندارد؟ آیا حریم ولایت فقیه کمتر از کوی دانشگاه است؟ آیا حریم امام، آن انسان کم‌نظیر، کمتر از جسارت به یک دانشجو است؟ آیا چند روز امنیت کشور را دچار اخلال کردن و به هر مؤمن و متدین حمله کردن و آتش زدن فاجعه نیست؟ آیا زیر سؤال بردن جمهوری اسلامی، این یادگار ده‌ها هزار شهید و شعار علیه آن دادن فاجعه نیست؟

جناب آقای خاتمی، چند شب پیش وقتی گفته شد عده‌ای با شعار علیه رهبر معظم انقلاب به سمت مجموعه‌ی شهید مطهری در حرکت‌اند، بچه‌های کوچک ما در چشم ما نگریستند، انگار از ما سؤال می‌کردند غیرت شما کجا رفته است؟

جناب آقای رئیس‌جمهور، امروز وقتی چهره‌ی رهبر معظم انقلاب را دیدیم مرگ خودمان را از خداوند طلب کردیم چون که کتف‌هایمان بسته است و خار در چشم و استخوان در گلو باید ناظر پژمرده شدن نهالی باشیم که حاصل 14 قرن سیلی و زجر شیعه و اسلام است.

جناب آقای خاتمی، شما خوب می‌دانید، در عین توانمندی به‌خاطر مصلحت‌اندیشی دوستان ناتوانیم. چه کسی است که نداند امروز منافقین و معاندین دسته دسته به نام دانشجوی به صف این معرکه می‌پیوندند و خودی‌های کینه‌جو و منفعت‌طلب کوتاه‌نظر آتش‌بیاز آن شده‌اند و برای تهییج آن، از هر سخن و نوشته‌ای دریغ نمی‌کنند؟

جناب آقای خاتمی، تا کی با اشک بنگریم و خون دل بخوریم و با هرج و مرج و توهین، تمرین دموکراسی کنیم و به قیمت از دست رفتن نظام صبر انقلابی داشته باشیم؟

جناب آقای رئیس‌جمهور، هزاران خانواده‌ی شهید و جانباز و رزمنده به شما رأی دادند که رأی آن‌ها مدال سینه شماست. آن‌ها از شما انتظار برخورد منصفانه با این مسائل را دارند و ما امروز رد پای دشمن را در این حوادث به خوبی می‌بینیم و قهقهه‌ی مستانه را می‌شنویم. امروز را دریابید که فردا خیلی دیر است و پشیمانی فردا غیرقابل جبران است.

سیدبزرگوار، به سخنرانی به ظاهر دوستان و خودی‌ها در جمع دانشجویان بنگرید، آیا همه‌ی آن گفته‌ها تشویق و ترغیب به هرج و مرج و قانون‌شکنی نیست؟

آیا معنای سال امام (ره) همین بود؟ آیا به همین صورت می‌توان میراث‌گرانه‌ی او را حفظ کرد و آیا بی‌توجهی تعداد اندکی به نام حزب‌الله مجوزی است برای شکستن سر هر متدین و هتک حرمت آن؟

جناب آقای خاتمی، رسانه‌ها و رادیوهای دنیا را بنگرید، آیا صدای دف و دهل آن‌ها به گوش نمی‌رسد؟

جناب آقای رئیس‌جمهور، اگر امروز تصمیم انقلابی نگیرید و رسالت اسلامی و ملی خودتان را عمل نکنید، فردا آن قدر دیر و غیرقابل جبران است که قابل تصور نیست.

در پایان با کمال احترام و علاقه به حضرت عالی اعلام می‌داریم کاسه‌ی صبرمان به پایان رسیده و تحمل بیش از آن را در صورت عدم رسیدگی، بر خود جایز نمی‌دانیم.

فرماندهان و خدمتگزاران ملت شریف ایران در دوران دفاع مقدس: غلامعلی رشید - عزیز جعفری - محمدباقر قالیباف - قاسم سلیمانی - جعفر اسدی - احمد کاظمی - محمد کوثری - اسدالله ناصح - محمد باقری - غلامرضا محرابی - عبدالحمید رئوفی نژاد - نورعلی شوشتری - دکتر علی احمدیان - احمد غلامپور - یعقوب زهدی - نبی‌الله رودکی - علی فدوی - غلامرضا جلالی - امین شریعتی - حسین همدانی - اسماعیل قآنی - علی فضلی - علی زاهدی - مرتضی قربانی.